

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

نویسنده: گرهارد دیلگر - Von Gerhard Dilger

برگردان از: جاوید

۱۶ می ۲۰۱۵

سخنی چند بابت در گذشت ادواردو گالیانو

ضد امپریالیست، قصه گو، دیوانه فوتبال .

تحول ادواردو گالیانو از یک سخنور جدلی به مردی با صدای آرام



ادواردو گالیانو در نمایشگاه کتاب برزیلیا در ۱۳ اپریل ۲۰۱۴ - عکس از دیلگر

کفش

سال ۱۹۱۹ روزا لوکزامبورگ در برلین به قتل رسید

قاتلان استخوان های او را با قنداق تفنگ شکستند

وسرانجام جسدش را در یک کانال انداختند

در مسیر راه کفشش از پایش افتاد

دستی آن کفش را که در گل افتاده بود بلند کرد

روزا جهانی می خواست که در آن نه عدالت به نام آزادی

ونه آزادی به نام عدالت قربانی شود

هر روز دستی پرچم مبارزه را مانند آن کفش

که افتاده بود در گل، بلند نگه میدارد

ادواردو گالیانو «فرزندان روز ها» ۲۰۱۲

اروگوئه سوگوار است. امروز هزاران نفر در برابر جسد **ادواردو گالیانو** که در ساختمان پارلمان در مونته ویدئو گذاشته شده است ادای احترام به جا می آورند و با وی خدا حافظی می کنند. **ادواردو گالیانو** هنرمند سخنور و نکته سنج روز ۱۳ اپریل ۲۰۱۵ در اثر سرطان شش که برای بار اول در سال ۲۰۰۷ تشخیص گردیده بود در ۷۴ سالگی در گذشت.

گالیانو کسانی را که با وی مصاحبه می کردند در کافی برازیلیرو استقبال می کرد، یکی از معدود کافه های سنتی که در شهر کهنه مونتویدئو باقی مانده است. وی می گفت این کافه ها یونیورسیتی های من بوده اند. او به یاد می آورد که من شش سال به مکتب ابتدائی رفته ام و یک سال هم به مکتب متوسطه رفته ام و بقیه را من در پشت میز کافه ها با گوش باز به روایان بزرگ و ناشناس گوش داده ام.

رئیس جمهور سابق اروگوئه **خوزه موخیکا** که قبل از مرگ **گالیانو** از وی بازدید کرده بود، او را نویسنده قابل ستایش فرقه چپ توصیف کرده درباره اش گفت: «وی خود آموخته ای بود که خود را کامل کرده و به طور باور نکردنی به مردمان قاره ما گوش داده است، وی یک استثناء بود که ما مردمان امریکائی لاتین را در سی چهل سال اخیر افتخار بخشیده است».

نه تنها اروگوئه بلکه چپ های قدیمی، فعالان سیاسی، دانشجویان، دستداران فوتبال و میلیون ها نفر در امریکائی لاتین و در سراسر جهان سوگوار شدند. **گالیانو** ژورنالیست ۳۱ ساله در سال ۱۹۷۱ موفق گردید شهکار خود «رگهای گشوده امریکائی لاتین» را به رشته تحریر بیاورد. به زودی این اثر در بین چپ های کلاسیک به نقد از امپریالیسم مبدل گردید.

وی استثمار و بهره برداری از شبه قاره را توسط استعمارگران اروپائی و شرکت های چند ملیتی امریکای شمالی و همدستان محلی شان و هم چنان مقاومت و سرسختی فاتحین را به صورت جدلی و جانبدارانه و گاهی شاعرانه بیان می کرد. دیکتاتور های نظامی اروگوئه، چیلی، وارجنتاین «رگهای گشوده امریکائی لاتین» را ممنوع کردند. سال ۲۰۰۹ این اثر دوباره بر سر زبانها افتاد، زمانی که رئیس جمهور ونزوئلا **هوگو چاوز** یک نسخه آن را به همتای امریکائی خود **بارک اوباما** داد. که پس از آن در لیست پرفروش ترین کتابهای مؤسسه کتب آمازون به طرف بالا صعود کرد و در مطبوعه پیتزهامر ترجمه جدید آن از چاپ بیرون شد.

یک تعداد بازدیدکنندگان یک سال قبل در نمایشگاه کتاب برازیلیا راجع به «رگهای گشوده امریکائی لاتین» **گالیانو** را هیجانی ساختند که با انتقاد طنز آمیز از خود عکس العمل نشان داد که پس از سالهای بسیار من احساس می کنم که این کتاب، رگهای گشوده را نتوانست مانند زمانی که من آن را نوشتم وصل کند.

من چیزهای دیگر را آزمایش کردم این کتاب باید یک کتاب اقتصاد سیاسی می بود، که من برای آن تا حال آموزش لازم و مورد ضرورت را ندارم. من پشیمان نیستم که این کتاب را نوشتم این مرحله اول پیروزیست. من دیگر قادر نیستم که آن را دوباره خوانی کنم و مرا به ضعف و بیهوشی خواهد برد.

برای من این نثر سنتی چپ به طرز مرگبار خسته کننده است. این به هیچ وجه فاصله گرفتن اساسی از محتویات نبود تنها **گالیانو** تغییر سبک خود را مطابق به اهل قلم ترسیم کرد، طرز نوشتن منحصر به فردش به طور فزاینده از ضوابط متعارف کناره گیری کرد. قبلاً در ۱۹۸۰ طرز نوشتنش به نثر تاریخی مختصری تبدیل شد. کتاب سه جلدی امریکائی لاتین یا رومان سه گانه معروفش به نام «حافظه آتش» اولین اثر از این سبک بود. به صد

ها داستان کوتاه را به ترتیب وقوع حوادث آن ربط داد و تنظیم کرد از خلقت اسطوره های بومی تا امروز که منابع دقیق در آن گنجانیده شده است .

فعالیت پر جنب و جوش روزنامه نگاری را قبلاً در نوجوانی کسب کرده بود که تا پائین عمر آن را ادامه داد و در سال ۱۹۸۵ پس از بازگشت از تبعید وی نیز در جمله بنیانگذاران هفته نامه چپ « برچا » تعلق داشت در کتابهای خود (کتاب در آغوش گرفتن ۱۹۹۱ و کلمات سرگردان ۱۹۹۹) وی نوع نثر کوتاه با کیفیت را که به گفته خودش « برای متون کوتاه زیادهترین نیاز را به آن دارم » ارائه کرد . او در مصاحبه ای در اواخر سال ۲۰۰۴ اعتراف کرد که من فضای کوچک و آرامش بخش متون کوتاه را می پسندم . این هاشور هائی هستند که چنان معلوم می شوند که گویا نثر هستند .

در مجموعه منتشر شده «زمان قضاوت می کند» متشکل از ۳۳۳ داستان کوتاه **گالیانو** گفت جهان بینی من بر اساس احترام به همه چیز که مورد نفرت قرار می گیرد استوار است برای چیز های کوچک برای چیزهای به ظاهر ناچیز و بی اعتمادی عمیق من در برابر زور مندان و خود بزرگ بینان که خود را دیدنی جلوه می دهند، وجود دارد . در این ادبیات بسیار متمرکز احساس می کنم که دست و دستکش با هم تناسب دارد به همین سبب ادای احترام است به چیز های خورد. وی متون نوشته شده را با عکسهای کوچک شرح دار از مناطق **کیاماکا** در پیرو مکمل کرد ، در مطابقت بین تصویر و کلمه که به نوبه خود رابطه بین فرم و محتوا را بیان می کند .

چنین گرافیک های ظریف از مدتهاست که علامه مشخصه آثار وی گردیده است .

در ۲۰۰۸ تقریباً یک تاریخ جهان را بازتاب داد، ۶۰۰ مینیاتور شرح دار . باز هم **گالیانو** صدای نامرئی خود را بیرون کرد به ویژه برای زنان ، سیاه پوستان ، بومی ها و مردمان جنوب . وی می گفت : « گاهی چیز هائی را یادداشت می کنم که هیچ گاه آن را فراموش نمی کنم ، که با یک طرح ابتدائی و یا خطوط درهم و برهم من آن را ویرایش می کنم » وی روش کار خود را شرح می دهد: « اکثراً با کتابچه های بسیار کوچک یادداشت شروع به کار می کنم که همیشه آن را در جیب دارم ».

در ۲۰۱۱ کتاب « کودکان روزها » منتشر گردید که در آن ۳۶۵ مینیاتور مانند صفحات جنتری مرتب گردیده و هم چنان آن کتاب قسمی تحریر گردیده بود که از طریق آن می توان جهان را مشاهده کرد : از سوراخ های کوچک قفل مانند آن چیزی را که واقعاً بی مثال باشد گرچه در نگاه بسیار کوچک جلوه کند اما چیزهای واقعاً مهم را می توان در آن دید . وی این کتاب را یازده بار از الف تا یا تجدید نظر کرد به گفته خودش در جنگ دائمی در برابر تورم کلمات هستم .

اگرچه **گالیانو** به باور های سیاسی خود وفادار باقی مانده است مگر دولت های چپگرای امریکای لاتین را با سمپاتی انتقادی همراهی می کند . کار های ادبی وی فراتر از انتقاد است و گاهی در تضاد کامل با آن ها قرار می گیرد . و می گوید لفاظی های بی معنی اغلب تا پر حرفی مشخصه فرهنگ سیاسی امریکای لاتین را به نمایش می گذارد . وی همیشه از **چاوز** یا **اوو مورالس** دفاع کرده و درک خود را از دامنه محدود اختیارات رهبران مترقی امریکای لاتین نشان داده است . در سال ۲۰۰۶ در مراسم تحلیف رئیس جمهور بومی بولیوی که در اوایل مارچ سال جاری از **گالیانو** در خانه اش بازدید به عمل آورده بود شرکت کرده بود که دونیم سال بعد باز هم در مراسم دریافت حمایل ریاست جمهوری از دست دانشمند «الهیات رهائی» **فرناندو لگو** شرکت کرده بود .

در آن زمان وی در پشت دوست نیکار آگونه ای خود **ارنستو کاردنال** ایستاده بود و در پشت صحنه می کوشید که **دانیل اورنگای** مستبد به آسونسیون در پاراگوئه نیاید . در اروگوئه او در برابر کشت گیاهان اوکالیپتوس و کشت هرساله یک نوع نبات (مونوکلنور) و ساختمان فابریکه تولید سلولوز قرار گرفت و در نتیجه سال ها از دوستان قدیمی خود در

دولت بر سر اقتدار چیگرا جدا گردید. که بعد از روی کار آمدن دوباره دولت قبلی رئیس دولت **تاباره باسکس** هنوز هم وی را تحمل کرده نمی تواند .

گالیانو در اجلاس آب و هوا در **کوچابامبا** بولیوی در پیام خیر مقدم در ۲۰۱۰ نوشت که مردم بومی به ما می آموزاند که ما بخشی از طبیعت هستیم و به همه پا داران، جنگال داران، بالداران و ریشه داران بستگی داریم ، حقوق بشر و حقوق طبیعت دو نام هستند که کرامت یکسان دارند .

رؤسای چیگرای امریکائی جنوبی چه سوسیال دموکرات یا بولیواری به رشد و توسعه اقتصادی به هر قیمتی ادامه می دهند او با لحن آرام اما انتقاد های خاص را مطرح کرد مانند همیشه به آزادی مطبوعات و پلورالیسم در کوبا اشاره کرد. فراتر از اولویت های سیاسی و روشنفکری حلقه دوستداران **گالیانو** در سال ۱۹۹۵ بعد از آن که کتاب پرفروش « توپ گرد است » را تجدید نظر کرد و آن را دوباره به چاپ رسانید به طور ناگهانی افزایش یافت .

گالیانو از قول مربی تیم کلمبیا **فرانسیسکو ماتورانا** می نویسد « فوتبال قلمرو جادویی است که در آن هر چیزی می تواند اتفاق بیفتد ».

در برازیلیا او با لبخند دیدار خود را با فوتبالی افسانه ئی و بازیکن خط میانی میدان **سقراط** که در ۲۰۱۱ در گذشت قصه می کرد که « من فقط می خواستم در مورد فوتبال صحبت کنم و او فقط در مورد سیاست . »